جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۳۴۱۶۵۴
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۰۴۵ | شنبه ۱۹ مهر ۱۳۹۹ | ۲۲ صفر ۱۴۴۲ | اذان ظهر: ۱۱:۵۱ |
غروب آفتاب: ۱۷:۳۴ | اذان مغرب: ۱۷:۵۳ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۱۱ | اذان صبح فردا: ۰۴:۴۴ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۰۷ |

دیده‌بان | هادی عسگری

بزرگداشت مجید مجیدی در تلویزیون

شبکه ۵ سیما با هدف تکریم مجید مجیدی، تعدادی از آثار برجسته این سینماگر را پخش می‌کند.

«آن سوی ابرها»، «باران»، «پدر»، «به رنگ خدا»، «شنا در زمستان»، «تا مرز دیدار» و «تیر باران» از جمله آثار مجید مجیدی هستند که از شنبه ۱۹ مهر ماه تا جمعه ۲۵ مهر ماه، هر شب ساعت ۲۲ روی آنتن شبکه ۵ سیما می‌روند. شنبه (۱۹ مهر) «آن سوی ابرها» که در ستایش عشق، زندگی و تنوع روابط انسانی است، پخش می‌شود. این فیلم را مجیدی برای سینمای بالیوود کارگردانی کرد تا در مقابل دوربین او بازیگرانی چون: مالاویکا موهانن، ایشان خاتر، گاتم کوش، شارادا و تانیشتا چاتراجه هنرنمایی کنند.

به مناسبت اربعین حسینی
در روز جهانی کودک منتشر شد

انتشار نماهنگ سرود «ما ملت امام حسینیم»

همزمان با اربعین حسینی و در روز جهانی کودک نماهنگ سرود ما ملت امام حسینیم کاری از انجمن سرود نوجوان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شد.

نماهنگ سرود ما ملت امام حسینیم کاری از انجمن سرود نوجوان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است. آهنگساز این نماهنگ میلاد بیضا است که بر اساس شعری از محمدحسن جمشیدی تولید شده‌است. محمدامین غفاری، حسین سیاح، سیدامیرعباس سید، محمدحسین عابدینی و سعید دلی، اعضای گروه سرود هستند.

حضور ۵ مستند ایرانی در جشنواره‌های بین‌المللی

آثار منتخب خانه مستند در پنج جشنواره بین‌المللی حضور یافتند و موفق به کسب جایزه نیز شدند.

«درخت زیتون سعد»، «پیرمرد و خواننده»، «شبیه‌سازی آقای زرد»، «کلیپ سیستان بلوچستان» و «فقدان» پنج اثر خانه مستند که در حد فاصل نیمه پایانی شهریور ماه تا مهرماه ۹۹ در پنج رویداد بین‌المللی حضور یافتند، موفق به کسب جایزه نیز شدند. دو مستند «درخت زیتون سعد» به کارگردانی احمد زائری و «پیرمرد و خواننده» به کارگردانی امیر اصانلو در نخستین جشنواره فیلم لیلون سوریه شرکت کردند که «پیرمرد و خواننده» موفق به کسب تندیس بهترین فیلم مستند از این جشنواره شد. همچنین فیلم مستند «شبیه‌سازی آقای زرد» به کارگردانی ماهان خمامی به نمایندگی از ایران در دومین دوره جشنواره فیلم‌های کوتاه شفیلد در انگلستان نامزد بهترین فیلم مستند نیز معرفی شده‌است. «شبیه‌سازی آقای زرد» به کارگردانی ماهان خمامی، نماینده سینمای ایران در پنجمین جشنواره لیون فرانسه شرکت کرده‌است. همچنین نخستین جشنواره فیلم Carpathian Mountain International Film Festival در کشور اوکراین که مختص به فیلم‌های توریستی و مرتبط با کوهستان است، میزبان کلیپ «سیستان و بلوچستان» است. جشنواره آرک فیلم لاند در کشور سوئد میزبان دو مستند «فقدان» به کارگردانی فاطمه ذوالفقاری و «شبیه‌سازی آقای زرد» است.

نوبل ادبیات سال ۲۰۲۰ به شاعر امریکایی رسید

«لوییز گلوک» شاعر امریکایی، جایزه نوبل ادبیات ۲۰۲۰ را که یکی از مهم‌ترین و خبرسازترین جوایز آکادمی علوم سوئد محسوب می‌شود، از آن خود کرد.

به گزارش فارس به نقل از سایت رسمی نوبل، آکادمی نوبل در یک نشست خبری در شهر استکهلم سوئد «لوییز گلوک» را به عنوان برنده جایزه نوبل ادبیات ۲۰۲۰ معرفی کرد. از ویژگی‌های آثار لوئیز گلوک، تلاش برای وضوح است. دوران کودکی و زندگی خانوادگی، رابطه نزدیک با والدین و خواهر و برادر، موضوعی است که همچنان در کانون نوشته‌های او باقی مانده‌است.

لوئیز گلوک، برنده ادبیات، اولین بار در سال ۱۹۶۸ با Firstborn شناخته شد و خیلی زود به عنوان یکی از برجسته‌ترین شاعران ادبیات معاصر امریکا تحسین شد. او ۱۲ مجموعه شعر و چند جلد مقاله درباره شعر منتشر کرده‌است. نوبل اعلام کرده‌است که این جایزه را به خاطر صدای شاعرانه بی‌چون و چرا که با زیبایی ریاضت وجود فردی را جهانی می‌کند به گلوک اعطا می‌کند.

این شاعر امریکایی در زمره ۱۶ زنی است که تا به حال نوبل گرفته‌اند. وی همچنین برنده جوایزی همچون جایزه پولیتزر برای شعر شده‌است.

حکمت

امام سجاد(ع):

حق کسی که به تو نیکی کرده، این است که از او تشکر کنی و نیکی‌اش را بر زبان آوری و از او به خوبی یاد کنی و میان خود و خدای عزّوجل برایش خالصانه دعا کنی، هرگاه چنین کردی بی‌گمان در پنهان و آشکار از او تشکر کرده‌ای، سپس اگر روزی توانستی نیکی او را جبران کنی، جبران کن.

امالی(صدوق) ص ۳۷۲

از قرآن تا شعر پارسی شاهراه حنجره‌ای که آرام گرفت

جواد محرمی

بعضی استعدادها در بعضی آدم‌ها به اصطلاح ذاتی است و ریشه در ژن خدادادی آن آدم‌ها دارد و تجلی و نمود آن استعدادها برای تعالی بستگی به درک و شناخت گوهرهای باطنی اغلب ناپیدا از سوی صاحبانش دارد؛ ثروتی که به طور قطع انواع متفاوتش در آدم‌های مختلف وجود دارد و تنها نیاز به مدیریت و تلاش و تربیت برای متجلی شدنش هست. صدای مرحوم محمدرضا شجریان از آن استعدادهایی است که قدر و منزلتش از کودکی شناخته شد و در مسیر قرار گرفت؛ پدری که دوست داشت پسرش به راه قرآن برود و قاری کلام خدا باشد، اما سرنوشت برای پسر مسیری را رقم زد که تنها یک وادی آن درخشیدن در صوت قرآن بود و آوازخوانی و آموختن موسیقی پهنه‌ای دیگر از این مسیر دشوار را برای او ترسیم کرد؛ مسیری که در ذوق و هنر سرزمینی کهن به وسعت ایران ریشه دارد و اتفاقاً همین ریشه‌هاست که صدای مردی چون شجریان را در گستره دوران پخته‌تر می‌کند و پس از قرآن، کلام شاعران بزرگ این دیار چون حافظ، سعدی و مولوی را در شاهراه حنجره تربیت‌یافته او قرار می‌دهد. این حنجره بالاخره مانند همه جلوه‌های مادی دنیا آرام گرفت با این حال از خود اثری سترگ در یاد و خاطره و تاریخ هنر ایران به جای گذارد.

همکاری شجریان با گروه تکرارنشدنی چاووش به سرپرستی مرحوم محمدرضا لطفی به خلق ۱۲ آلبوم با همین نام در طول نزدیک به یک دهه منجر شد

نوایی که رونق بخش بوستان هنر بود

شاخصه صدای مرحوم شجریان ایرانی‌بودن آن است. همانقدر که شعر حافظ، سعدی و مولوی با نام ایران درهم تنیده‌است، تار و پود صدای شجریان نیز با نام ایران گره خورده و قوام‌دهنده اصالت ملی بر پیکره هنر ایران بوده‌است. در دورانی که ابتذال در هنر ساحت موسیقی را درنوردیده‌بود و هر صدای آلوده و نخراشیده‌ای سوار بر کلامی ناموزون از هر سمت به نام هنر و موسیقی خود را تحمیل می‌کرد، صدای محمدرضا شجریان رونق‌بخش بوستان هنر و خرمی‌بخش گلستان نبوغ و استعداد ایرانی بوده‌است. بدیهی است که برخی سیاست‌پیشگان که مصلحت و قدر هنر را نشناسند، در هر عصری در کمین نبوغ و استعداد هنرپیشگان دام سوءاستفاده بگسترانند و از آبروی هنرمندان برای بهره‌مندی‌های حقیر مایه بگذارند و در این طریق ناصواب آنچه در مقطعی با استاد کردند و او را به وادی امیال جناحی کشاندند، بسی تلخ و دردناک بود. خسرو آواز ایران بعدها خود در اینباره می‌گوید:

«هنرمند اگر در قاب و قالب احزاب و گروه‌ها قرار بگیرد، به اندازه همان قاب کوچک می‌شود. هرگز موسیقی‌ام را در خط یک حزب خاص قرار نداده‌ام. من کار اجتماعی انجام می‌دهم. کار سیاسی نمی‌کنم. کار من اجتماعی است و از درد اجتماع می‌گویم. من سخت جلوی کسانی که فعال سیاسی بودند یا احزاب سیاسی که می‌خواستند از موقعیت هنری من سوءاستفاده کنند، ایستادم.»

شجریان درباره قطعه پرطرفدار ربنا نیز اینگونه گفته‌است: «من به شاگردان خواندن مذهبی را یاد می‌دادم، چون از بچگی خوانده‌بودم، این خواندن را هم بلد بودم و همه از من می‌خواستند که اذان‌های مختلف را یاد بدهم و دعاهای مختلف را به آنها یاد می‌دادم. در مورد رَبَّنا می‌گفتم این کار من نیست و شانه خالی می‌کردم. سوره بقره و آل عمران بود، فکر کنم. چند آیه آن را قبلاً مرحوم ذبیحی خوانده‌بود. من می‌خواستم چیزی نزدیک به آنچه ذبیحی خوانده باشد، اما مهر خودم روی آن بخورد و صدا و حال و هوای خودم باشد. چون مردم به آن عادت کرده‌بودند و نمی‌خواستم خلاف عادت مردم حرکت کنم. آیات را انتخاب کردم و درباره مقام‌هایی که اجرا کنم، یک طرح مختصری بر آن زدم. بقیه‌اش را گذاشتم ببینم حال و هوایم در استودیو چطور است. آن روز در حال و هوای نزدیک افطار رفتم استودیو. چون حس و حال را زیاد حس می‌کردم، یک مناجات با خدای خودم کردم. بالاخره وقتی شما با خلوصی کاری را انجام می‌دهید، این تأثیر خوب را می‌گذارد.»

در ادامه به برخی فراز و فرودهای نزدیک به ۶۰ سال فعالیت هنری استاد می‌پردازیم.

انس با قرآن از کودکی

پنج ساله بود که در خلوت کودکانه‌اش آواز می‌خواند، یک سال بعد به آموزش تلاوت قرآن کریم نزد پدر پرداخت. در ۹ سالگی تلاوت قرآن را آغاز کرد و یک سال بعد این کار را در میتینگ‌ها و اجتماعات سیاسی آن سال‌ها ادامه داد. در سال ۱۳۳۶ به دانشسرای مقدماتی در مشهد رفت و از همین سال برای نخستین‌بار با یک معلم موسیقی به‌نام جوان آشنا شد. پیگیری جدی کار آواز سبب شد تا در سال ۱۳۳۸ به اجرای آوازهایی بدون ساز و نیز قرائت قرآن برای رادیو خراسان بپردازد.

آشنایی با سنتور

آشنایی با سنتور این اشتیاق را در وی شدت بخشید که با نت و فراگیری سنتور نزد جلال اخباری و شروع سنتورسازی و تحقیق برای بهتر کردن صدای سنتور تجربه‌های خود را در موسیقی گسترش دهد.

شجریان در سال ۱۳۴۹ همکاری خود را با برنامه‌های تلویزیون ملی ایران آغاز کرد و همزمان به دریافت عنوان خوشنویس ممتاز نایل شد. در سال ۱۳۵۰ با استاد فرامرز پایور آشنا شد. به مشق سنتور و آموزش ردیف آوازی صبا نزد ایشان پرداخت. در همین سال با هوشنگ ابتهاج (سایه) آشنا شد و به همکاری با برنامه گل‌های تازه رادیو پرداخت.

همکاری با گروه تکرار نشدنی چاووش

صدای استاد در مقطعی حساس از تاریخ ایران با انقلاب اسلامی همراه شد. شجریان در اعتراض به کشتار ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ و فاجعه سینما رکس آبادان از رادیو استعفا داد. همکاری شجریان با گروه تکرارنشدنی چاووش به سرپرستی مرحوم محمدرضا لطفی به خلق ۱۲ آلبوم با همین نام در طول نزدیک به یک دهه منجر شد؛ آثاری که برخی رنگ و بوی انقلابی و ملی داشتند و متأثر از فضای اجتماعی و سیاسی ایران در انقلاب و دفاع مقدس خلق و اجرا می‌شدند و رونق موسیقی اصیل ایرانی با همین گروه و در همین ایام رقم خورد. برای مثال آلبوم چاووش ۶ با نام سپیده در سال ۱۳۵۶ در حالی اجرا شد که موسیقی سنتی ایرانی در انزوا بود و موسیقی غربی در ایران رواج بیشتری پیدا کرده‌بود. این اثر از اولین آثاری است که موسیقی سنتی را دوباره احیا کردند.

سرپرست کانون فرهنگی و هنری چاووش محمدرضا لطفی بود و حسین علیزاده، پرویز مشکاتیان و لطفی که از آهنگسازان این مجموعه آلبوم بودند، در کنار محمدرضا شجریان در ساخت این مجموعه آلبوم همکاری کردند. شهرام ناظری نیز به عنوان خواننده در کانون چاووش حضوری بسیار چشمگیر داشت.

همکاری با پرویز مشکاتیان

در فاصله سال‌های دهه ۶۰ شجریان همکاری گسترده‌ای را با پرویز مشکاتیان آغاز می‌کند که حاصل آن آلبوم‌های ماهور، بیداد، نوا و دستان است. از سال ۶۸ استاد محمدرضا شجریان با گروه پیرنیاکان و عندلیبی به اجرای کنسرت در امریکا و اروپا می‌پردازد. این گروه در سال بعد و به دلیل زلزله رودبار کنسرت‌هایی را برای جمع‌آوری کمک مردم دنیا در اروپا و امریکا اجرا می‌کند.

در سال ۷۱ به اجرای کنسرت‌های مرحله دوم در امریکا با داریوش پیر نیاکان، جمشید عندلیبی و همایون شجریان می‌پردازد. انتشار آلبوم یاد ایام، آسمان عشق و نیز دلشدگان حاصل این سال‌ها است.

نما | حسین کشتکار

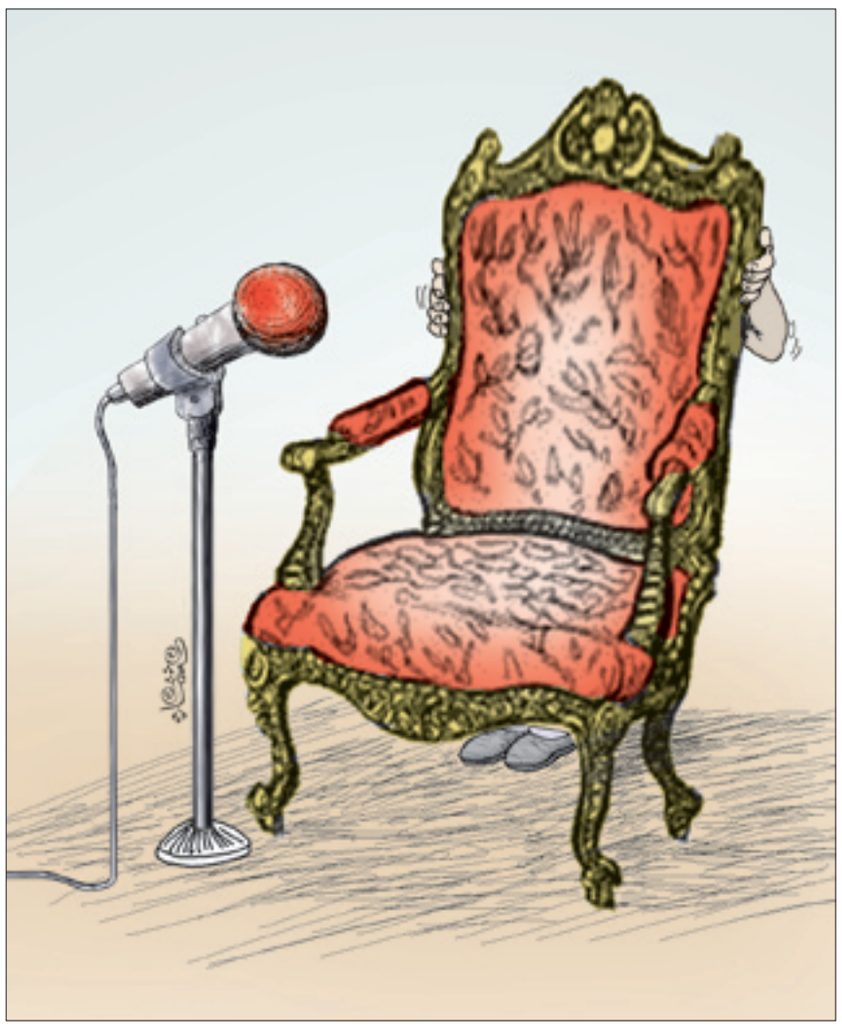

شجریان در جوار فردوسی آرام می‌گیرد

محمد صادقی

محمدرضا شجریان به درخواست خانواده امروز در جوار مدفن ابوالقاسم فردوسی حکیم طوس به خاک سپرده خواهد شد.

پس از انجام مراسم نماز بر پیکر استاد شجریان به امامت حجت‌الاسلام دعایی در بهشت زهرای تهران، پیکر وی برای تدفین در شهر طوس به مشهد منتقل شد. برخی از مقامات شهری در مشهد، نسبت به خطر تجمع‌ها برای مراسم تدفین استاد و شیوع کرونا در شرایط قرمز بحران کرونا هشدار داده‌اند.

درگذشت شجریان، استاد برجسته آواز ایرانی همراه با حواشی نیز بود. از ارسال پیام‌های تسلیت گرفته تا برخی اتفاقات که خواسته یا ناخواسته باعث شد تا خبر درگذشت شجریان به حاشیه رانده شود. روز چهاردهم مهرماه، خبرگزاری صداوسیما در خبری از درگذشت استاد شجریان خبر داد. بسیاری از کانال‌های خبری درگذشت شجریان را اعلام کردند، ولی این خبر خیلی زود از سوی باشگاه خبرنگاران جوان تکذیب شد. اختلاف میان دو بخش خبری یک رسانه در نوع خود بی‌نظیر بود. این اختلاف باعث شد تا درگذشت استاد شجریان در روز پنج‌شنبه تا حدود یک ساعت بعد از اعلام خبر آن از سوی برخی فعالان خبری با شک و تردید مواجه شود و در آخر اعلامیه رسمی بیمارستان «جم» بود که مرگ وی را تأیید کرد.

حضور بی‌موقع مقابل بیمارستان

از زمان بستری مجدد استاد شجریان در بیمارستان جم تهران، بارها درباره حضور نیافتن مردم در اطراف بیمارستان و ایجاد مزاحمت صوتی برای بیماران و اهالی محل توصیه شده‌بود، اما با درگذشت استاد آواز ایران، عده‌ای از مردم با تجمع در مقابل بیمارستان ضمن ابراز ناراحتی و سوگواری با همخوانی تصنیف‌هایی از استاد شجریان تا پاسی از شب مقابل بیمارستان باقی ماندند. از حاشیه‌های این حضور بی‌موقع، مسئله محل تدفین استاد بود که همایون شجریان فرزند استاد شجریان محل دفن استاد را در «طوس» اعلام کرد، اما برخی از حضار با اعلام مخالفت خواستار تدفین وی در تهران شدند. این ابزار مخالفت در فضای مجازی بازتاب‌های زیادی داشت.

واکنش هنرمندان به درگذشت شجریان

شخصیت‌های متعدد فرهنگی و هنری با انتشار پیام به صورت مکتوب، صوتی یا تصویری، ضایعه درگذشت استاد شجریان را تسلیت گفتند. هوشنگ ابتهاج، حسین علیزاده، شهرام ناظری، عبدالوهاب شهیدی، علیرضا افتخاری و کیهان کلهر از جمله این هنرمندان بودند. اهالی سینما نیز در سوگ شجریان پیام‌های تسلیت صادر کردند. خانه سینما، انجمن بازیگران و اتحادیه تهیه‌کنندگان سینمای ایران در پیام‌های جداگانه درگذشت شجریان را به مردم ایران تسلیت گفتند.

علیزاده: شجریان فراموش‌شدنی نیست

حسین علیزاده در سخنانی کوتاه در مراسم نماز بر پیکر استاد شجریان در بهشت زهرا تأکید کرد استاد شجریان نشان داد برای همیشه زنده خواهد ماند و فراموش نمی‌شود.

داریوش پیرنیاکان، سخنگوی خانه موسیقی و از دوستان نزدیک مرحوم شجریان هم در این مراسم گفت: واقعاً نای صحبت کردن ندارم. من همیشه آرزو داشتم وقتی می‌میرم شجریان برایم آواز بخواند. او دماوند ایران است. او تخت جمشید ایران است که من تا صبح گریه کردم و نخوابیدم. من به شما تسلیت می‌گویم و بدانید صدای ملت ایران فراموش نمی‌شود.

داوود گنجه‌ای، عضو هیئت مدیره خانه موسیقی نیز در این برنامه گفت: من برخلاف همیشه که هیجانی هستم، امروز با تمام وجودم می‌گویم که خیلی خوشحالم محمدرضا شجریان در چهلمین روز شهادت مرد عدالت امام حسین (ع) دار فانی را وداع گفت. ما از او درس عشق می‌گیریم. در ادامه همایون شجریان در سخنانی کوتاه از برنامه‌ریزی برای برگزاری آیین بدرقه و تدفین باشکوه در مشهد با رعایت کامل پروتکل‌های بهداشتی گفت. در پایان این مراسم حجت‌الاسلام محمود دعایی نماز میت را بر پیکر محمدرضا شجریان خواند.

پیام تسلیت رئیس جمهور

«حسن روحانی» رئیس جمهور در پیامی با تسلیت درگذشت شجریان نوشت: این چهره برجسته هنری و آفریننده ماندگارترین نواهای دلنشین ایرانی و خواننده ربنای رمضان، با ذوق هنرمندانه و تلاش فراوان، میراث ارزشمند و پرجاذبه‌ای از خود به یادگار گذاشت. یقیناً ملت قدرشناس ایران، نام و یاد و آثار این هنرمند محبوب را همواره در خاطره‌ها، زنده نگه خواهد داشت.

پیام مقام‌های سیاسی خارجی

علاوه بر مسئولان ایرانی، مقامات خارجی نیز در پیام‌های جداگانه، درگذشت استاد آواز ایران را تسلیت گفتند. عبداله عبداله مقام اجرایی جمهوری افغانستان، نیچروان بارزانی رئیس اقلیم کردستان، دفتر سازمان ملل در تهران، سفارتخانه‌های سوئیس، فرانسه، آلمان، اتریش و جمهوری آذربایجان، در پیام‌هایی با ملت ایران ابراز همدردی کردند.

تلویزیون

تغییرات وسیع در سطح مدیریت صداوسیما

رئیس صدا جای معاون سیما نشست

محمدصادق عابدینی

رئیس رسانه ملی با صدور احکام متعدد چند تن از معاونان کلیدی سازمان صداوسیما را تعیین کرد تا چهره این سازمان در سطح کلان مدیریت دچار تغییر شود.

عبدالعلی علی عسکری، مهم‌ترین تغییر چند سال اخیر سازمان صداوسیما را رقم زد و حکم به تغییر معاون سیما داد تا حمیدرضا شاه‌آبادی از معاونت صدا به معاونت سیما بیاید.

شاه‌آبادی که از سال ۹۶ در سمت معاون صدا در رادیو فعالیت داشت، اکنون در سمت معاون سیما سکاندار مهم‌ترین بخش صداوسیما شده‌است. آمدن شاه‌آبادی و رفتن مرتضی میرباقری از معاونت سیما، ممکن است به ایجاد تحول در این سازمان منجر شود که باعث واکنش مثبت فعالان فضای مجازی نیز شد. میرباقری به مدت چهار سال در سمت معاونت سیما حضور داشت، در ماه‌های اخیر از سوی برخی چهره‌های فرهنگی و رسانه‌ای با انتقادهای تند نسبت به رویکردهای مدیریتی و تصمیم‌ها روبه‌رو بود. رئیس رسانه ملی در حکم معاون جدید سیما از وی خواسته است تا بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی را به مثابه منشور خودسازی سرلوحه عمل قرار دهد.

در بخشی از حکم انتصاب شاه‌آبادی آمده‌است: «با توجه به جایگاه، گستره مخاطب و میزان اثرگذاری سیمای جمهوری اسلامی ایران در ارتقا و تعمیق اخلاق در جامعه و نیز حفظ و اعتلای فرهنگ، هویت و سبک زندگی ایرانی اسلامی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های موسع هنری و حرفه‌ای، سرمایه انسانی متعهد و پرتلاش سازمان و حوزه متبوع، در ارتقای کیفی و هنری تولیدات رسانه‌ای با ابتنا بر مطالعات مخاطب‌پژوهی و به‌کارگیری الگوی کارآمد مدیریت پیام اهتمام جدی به عمل آورید.» با تغییر در پیشانی سازمان صداوسیما، علی عسگری «علی بخشی‌زاده» را به عنوان معاون جدید صدا منصوب کرد. بخشی‌زاده پیش از این سوابق مدیریتی متعددی در رسانه ملی داشته‌است که از آن جمله مدیریت شبکه ۲ سیما است.

رئیس سازمان صداوسیما همچنین در حکمی غلامرضا نوری را به سمت معاون فضای مجازی سازمان برگزید. نوری از اردیبهشت سال جاری سرپرستی این معاونت را در اختیار داشت. همچنین مصطفی محمدی به ریاست مرکز «طرح، برنامه‌وبودجه»، علی طلوعی به ریاست مرکز «تحقیقات» و سید علیرضا شریفی به ریاست مرکز «نظارت و ارزیابی» سازمان منصوب شدند. برخی تحلیل‌ها این تغییرات را که در چند ماه باقی‌مانده به انتخابات ریاست جمهوری رخ داده‌است، نشانه‌ای از تحول در صداوسیما می‌دانند. این سازمان وظیفه سنگینی در ماه‌های پیش‌رو برعهده دارد و همچنان که علی عسکری در حکم انتصاب معاون جدید سیما به آن اشاره کرده‌است، این رسانه وظیفه نشاط‌آفرینی در جامعه را بر عهده دارد.

سینما

شهریار بحرانی:

فیلمسازان ضدجنگ ما در زمین دشمن بازی می‌کنند

کارگردان سرشناس سینمای ایران، ساخت آثار ضد دفاع مقدس در سینمای ایران را ناشی از نشناختن دشمن دانست.

شهریار بحرانی در گفت و گو با «تسنیم»، درباره تولید آثار ضد جنگ به عنوان سینمای دفاع مقدس گفت: در داخل کشور متأسفانه جریانی را شاهدیم که به‌دنبال ساخت دفاع مقدسند، اما چون جذابیت دراماتیک برای آنها مهم است، اهداف اصلی و راهبردی سینمای دفاع مقدس را فراموش می‌کنند و در نتیجه فیلم‌هایی ساخته می‌شود که در آنها درد و رنج ناشی از جنگ و صحنه‌های کشتار و قتل رزمندگان و مردم دیده می‌شود و در کل صحنه‌ای را می‌سازد که صحنه ضدجنگ است و مخاطب با دیدن این فجایع و دردها به‌طور کلی از مقابله و دفاع رویگردان می‌شود و نسبت به اینکه بخواهد مقابل دشمن مقاومتی کند، سرد می‌شود. بحرانی افزود: باید اذعان کرد که این یک جنگ روانی است که برخی از فیلمسازان داخلی ما آن را ادامه داده‌اند که در آن دیگر تمایلی برای دفاع وجود ندارد؛ البته این بحث عمیقی است چون انسان کلاً نسبت به دشمنان داخلی و خارجی خودش باید مقاومت داشته‌باشد، این موضوع از آموزه‌های قرآنی است که انسان مقابل شیطان و نفس خودش و بدی‌ها باید مقاومت و مقابله کند و به‌سمت تعالی و پاکی‌ها برود و باید انسان در روزهای سرگشتگی و حیرت دنیا مبارز و جنگجو باشد. در این دنیا انسان باید یک رزمنده قوی و پرامیدی باشد که لحظه به لحظه با دشمن داخلی و بیرونی‌اش بجنگد، هم در جهاد بیرونی و هم در جهاد اکبر موفق باشد. این هدف‌گذاری‌ها باید در سینمای دفاع مقدس باشد تا به‌اشتباه فیلمی را نسازیم که در جبهه دشمن سربازی کنیم.

هنر هفتم

یک روایت ۷۰ ساله از ایران‌ستیزی سینمای امریکا

کمپانی‌های امریکایی فیلم درجه یک به ایران نمی‌فروختند

محمد صادقی

امریکایی‌ها که بازار فروش فیلم را در تمام دنیا داشتند، حاضر نبودند فیلم‌های درجه یک خود را به ایران بدهند و به جای آن سینمای ایران میزبان آثار درجه دو و سه هالیوود بود.

هالیوود، قلب مرکز فیلمسازی در امریکاست؛ جایی که سالانه چندصد فیلم سینمایی در آن تولید و به واسطه شرکت‌های بزرگ توزیع فیلم در سراسر جهان توزیع می‌شود، منطقه‌ای در لس‌آنجلس کالیفرنیا که بخش عمده‌ای از شرکت‌های فیلمسازی امریکایی در آن مستقر هستند. کارشناسان فرهنگی جایگاه هالیوود را در سلطه‌طلبی امریکا همچون پنتاگون می‌دانند و حتی نقشی فراتر از قوه نظامی برای آن قائل هستند. مدت‌ها است که سیاست‌های ضد ایرانی دولت امریکا در بخش‌های فرهنگی نیز خودنمایی می‌کند، اما تصور اشتباه این است، دشمنی‌ای که هالیوود با ایران و مردم ایران در پیش گرفته معطوف به سال‌های بعد از انقلاب است. برخی از کارشناسان حتی تا پیش از ساخته‌شدن «بدون دخترم هرگز» هیچ سابقه ضدایرانی را در هالیوود متصور نیستند، اما روایت یک ایرانی از هالیوود در دهه ۲۰ و ۳۰ شمسی نشان از یک دشمنی طولانی دارد. جمشید شیبانی، خبرنگار سینمایی ایرانی که از سال ۱۳۲۶ به امریکا می‌رود و در آنجا فیلمسازی می‌خواند، در سال ۱۳۳۱، گزارشی از سینمای امریکا با تأکید بر اینکه اغلب فیلم‌های امریکایی فاقد ارزش هنری است، می‌نویسد: «در حالی که کشورها همیشه مهم‌ترین و بهترین فیلم‌های خود را به خارج می‌فرستند، ولی امریکایی‌ها چون بازار فروش دارند تمام فیلم‌های خود را به خارج می‌فرستند، اما فیلم‌های درجه اول خود را غالباً به پاره‌ای از کشورهای خارجی از جمله ایران که حاضر نیستند پول زیادی برای خرید فیلم بپردازند، نمی‌آورند.» این نویسنده به رفتار مدیران و رؤسای سینماهای ایران نیز ایراد می‌گیرد که فیلم‌های درجه دو و سه امریکایی را به ایران می‌آورند تا بتوانند سود صددرصدی از اکران آنها داشته‌باشند، اما نکته مهم در گزارش شیبانی تأیید وجود نگاه اهانت‌آمیز سینمای امریکا به مردم شرق از جمله ایران در فیلم‌های امریکایی است. وی با مثال زدن فیلم «سمرقند» که در دهه ۵۰ میلادی تولید شده‌است، نداشتن اطلاعات صحیح از ایران و اینکه حتی حاضر نیستند از ایرانی‌ها برای ساخت فیلم درباره ایران مشاوره بگیرند را عامل ساخت چنین فیلم هایی عنوان می‌کند. این بی‌اطلاعی حتی در تولیدات اخیر ضد ایرانی در سینمای غرب دیده می‌شود، جایی که ایرانی‌ها شبیه اعراب و فضای شهرهای ایرانی شبیه کشورهای عربی به تصویر کشیده‌می‌شود.